



بررسی عوامل موثر بر فرار مغزها

پوهنیار فیض الباری فایق سیابی^۱

جمعه خان نوری^۲، شکرالله احمدی^۳، سید روح الله کاظمی^۴، عبدالکریم ارجمند^۵،

محمد یوسف مشعل^۶، عبدالمعاف نیازی^۷، محمد جواد محمدی^۸، کلیم الله سنگری^۹ و محمد اشرف محمدی^{۱۰}

چکیده

تأثیر فرار مغزها یک موضوع مهم در جامعه و اقتصاد است که باعث تغییرات قابل توجهی در کشورها و سازمانها می شود. فرار مغزها به معنای مهاجرت متخصصان و استعدادهای باارزش از یک کشور به کشور دیگر است. این پدیده می تواند تأثیرات عمیقی بر رشد و توسعه سازمانها، نظام آموزشی، تحقیق و توسعه و اقتصاد یک کشور داشته باشد. پژوهش حاضر با هدف بررسی عوامل مؤثر بر فرار مغزها از دیدگاه دانشجویان دانشکده اقتصاد دانشگاه بلخ انجام شد. تحقیق حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر روش گردآوری اطلاعات توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری آن ۱۵۰ نفر از محصلین سال چهارم نیمسال هشتم دانشکده اقتصاد دانشگاه بلخ بوده که ما از میان آنها برای ۸۰ تن به گونه تصادفی پرسشنامه توزیع گردیده است. داده های موجود از طریق پرسشنامه گرد آوری سپس تجزیه و تحلیل گردیده است. نتایج به دست آمده نشان می دهد که ناامنی ۵۷ درصد، بیکاری ۶۳ درصد و نبودن شرایط درست تحصیلی و حقوق فردی ۵۳٫۸ درصد تأثیرات روی فرار مغزها داشته و سبب فرار مغزها می شود.

واژگان کلیدی: فرار مغزها، ناامنی، بیکاری، حقوق فردی، شرایط تحصیلی، متخصصین

۱. عضو کادر علمی پوهنهی اقتصاد پوهنتون بلخ Fayzalbaryfaieq@gmail.com
۲. دانشجوی پوهنهی اقتصاد پوهنتون بلخ jumakhan.noori2018@gmail.com
۳. دانشجوی پوهنهی اقتصاد پوهنتون بلخ shokrullah.ahmadi78@gmail.com
۴. دانشجوی پوهنهی اقتصاد پوهنتون بلخ saydrohullahkazimi1@gmail.com
۵. دانشجوی پوهنهی اقتصاد پوهنتون بلخ Kalimullahayoubi65@gmail.com
۶. دانشجوی پوهنهی اقتصاد پوهنتون بلخ yousafmashal04@gmail.com
۷. دانشجوی پوهنهی اقتصاد پوهنتون بلخ abdulmaafnyazi@gmail.com
۸. دانشجوی پوهنهی اقتصاد پوهنتون بلخ m.javad.mohamadi12@gmail.com
۹. Kalem7866@gmail.com
۱۰. دانشجوی پوهنهی اقتصاد پوهنتون بلخ Kalimullahayoubi65@gmail.com

مقدمه

سرمایه انسانی ماهر یکی از عوامل مهم و انکارناپذیر در توسعه اقتصادی و اجتماعی هر جامعه است و سرمایه گذاری دولت‌ها در این بخش سبب رشد آن خواهد شد (اکبریوار و همکاران^۱، ۲۰۱۸). از این رو برنامه ریزی قابل توجهی برای تربیت و آماده‌سازی این منابع در جوامع در حال توسعه و توسعه یافته به عمل می‌آید؛ زیرا نیروی متخصص و ماهر جزو دارایی‌هایی یک کشور و به‌عنوان اصلی‌ترین مزیت رقابتی و کمیاب‌ترین منبع در اقتصاد دانش‌محور به حساب می‌آید (وانگ و لیو^۲، ۲۰۱۶). جهانی شدن همه ابعاد زندگی انسان‌ها را تغییر داده است به گونه‌ای که سبک زندگی شهروندان متحول شده است. یکی از مولفه‌های سبک زندگی مهاجرت نخبگان اعم از شغلی یا گردشگری است. هدف محوری این پژوهش تأثیرات جهانی بر مهاجرت نخبگان شهروندان به‌خصوص کشورهای در حال توسعه است. در این راستا موضوعات مختلفی در ارتباط با تأثیرات جهانی در مهاجرت مورد بررسی قرار گرفته‌اند. می‌توان پدیده فرار مغزها در عصر اطلاعات را با توجه به شغل، رفاه، سبک زندگی نوین، دستیابی به امکانات علمی و... در نظر گرفت (همتی، بشیری‌آذر و خدادادیگی، ۱۴۰۰). علی‌رغم اهمیتی که نیروی انسانی متخصص در پیشرو بودن اقتصاد یک کشور دارد، آمار نشان دهنده خروج حجم وسیعی از اندیشمندان حوزه‌های مختلف علوم می‌باشد که به دلایلی اقامت در کشورهای توسعه یافته را بر ماندن در کشور خود ترجیح می‌دهند. در واقع، فرار مغزها معرف جریان سرمایه‌انسانی است که در آن انتقال مهارت‌ها صورت می‌گیرد (مفتخری و همکاران، ۱۴۰۰). مهاجرت نخبگان را نباید تنها از دست دادن یک عامل تولید مهم در توسعه اقتصادی تلقی کرد؛ بلکه از دیدگاه توسعه اجتماعی، این مهاجرت‌ها مهم‌اند؛ زیرا کشورهای در حال توسعه یک سرمایه انسانی مهم را برای مدیریت علمی جامعه از دست خواهند داد. در این صورت، نه تنها ظرفیت جامعه برای تولیدات اقتصادی کاهش پیدا می‌کند، بلکه توانایی آنان برای حل مسائل بنیادین خود نیز کاهش می‌یابد. مهاجرت نخبگان باعث می‌شود کشور در حال توسعه توان کمتری برای حل مسائل بنیادین خود داشته باشد. این چرخه معیوب، توسعه اقتصادی-اجتماعی این کشورها را متأثر می‌سازد (راغر و همکاران، ۱۳۹۶). موضوع فرار مغزها و مهاجرت نخبگان بحث تازه‌ای نیست، بلکه پدیده‌ای است که از دیرباز تاکنون به گونه‌های مختلف و چشمگیر در کشورهای در حال توسعه دیده شده است (مفتخری و همکاران، ۱۴۰۱).

کشورهای جهان سوم در دوران پس از جنگ سرد با فرصت‌ها و چالش‌های جهانی شدن رو به رو هستند؛ زیرا از یک سو باید حاکمیت و تمامیت ارضی خود را حفظ نمایند و از سوی دیگر باید با بهره‌گیری از فناوری و انقلاب اطلاعاتی، به مقابله با سلطه جویی جدید بپردازند و به توسعه اقتصادی و اجتماعی دست یابند. عنصر مهم در این روند را نیروی انسانی تشکیل می‌دهد که باید در استراتژیهای امنیت ملی، توسعه سیاسی و انکشاف اقتصادی کشورها به نیروی متخصص، دانشمند و جوان بهای بسیار داد (فرجادی، ۱۳۷۰). امروزه فرار مغزها به‌عنوان یک پدیده قابل توجه در کشورهای در حال توسعه به شمار می‌آید. فرار مغزها برای کشورهایی که کمتر توسعه یافته‌اند و با معضلاتی چون نرخ رشد اقتصادی پایین و نرخ بیکاری بالا مواجه هستند از اهمیت فراوانی برخوردار است. معمولاً نخبگان و متخصصان از کشورهای کمتر توسعه یافته به کشورهای توسعه یافته تر مهاجرت می‌کنند تا از امکانات کشورهای مقصد استفاده کنند. با توجه به اهمیت سرمایه انسانی در نظریه‌های رشد درون‌زا، فرار مغزها می‌تواند اثرات زیانباری را برای کشورهای مبدأ بر جای بگذارد (صالحی فریدونی و علمی، ۱۳۹۹).

افغانستان نیز از جمله کشورهای کمتر توسعه یافته به شمار می‌رود که همه‌ساله نیروی انسانی جوان، متخصص و مولد آن به کشورهای مختلف جهان مهاجرت می‌کنند. این روند متأسفانه در سالهای اخیر بنا بر دلایل جنگ و بیثباتی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و از دست رفتن فرصت‌ها شکل صعودی را به خود گرفته است. آمار سال ۲۰۲۰م نشان می‌دهد که حدود ۲٫۶ میلیون مهاجر

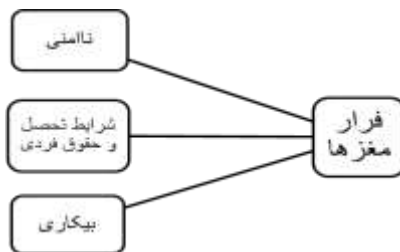
^۱. Ekperiware et al

^۲. Wang & Liu

افغان در پایان این سال در کشورهای مختلف جهان به حیث مهاجر حضور داشتند. در بین مهاجرین افغان در کشورهای مختلف جهان، بیشتر آنان نیز مهاجرین اقتصادی هستند. به گونه‌ی مثال آمار سال ۲۰۱۵م نشان میدهد که از ۴,۸ میلیون مهاجر افغان در پایان این سال، ۲,۲ میلیون آنها مهاجرین اقتصادی بودند (طایفی، ۱۳۸۱).

روند فرار مغزها و مهاجرت افغانها در سال ۲۰۲۱ به دلیل سقوط حکومت پیشین و روی کار آمدن حکومت سرپرست امارت اسلامی، سیر صعودی داشته است. تنها در شش هفته اول پس از سقوط جمهوریت، ۱۲۴۰۰۰ تن طی عملیات تخلیه از افغانستان خارج شدند که اکثریت مطلق آنان افراد متخصص و تحصیل یافته بودند و پس از آن نیز تاکنون دهها هزار تن دیگر به گونه‌ی تدریجی افغانستان را ترک گفته اند (همان).

در مجموع با بررسی نظریه‌های مختلف مهاجرت نخبگان می‌توان نتیجه گرفت مهاجرت نتیجه تعامل عوامل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، حقوقی، تاریخی، فرهنگی و آموزشی است که به عنوان نیروهای جاذبه و دافعه عمل می‌کنند (بزرگزاد و همکاران، ۱۳۹۹). با توجه به اهمیت این موضوع برای توسعه و ثبات سیاسی و اقتصادی کشور، در این مقاله روی انگیزه و عوامل فرار مغزها از افغانستان و پیامدهای کوتاه مدت و درازمدت آن در کنار شرح مفاهیم فرار مغزها و اثرات آن روی اقتصاد کشور پرداخته شده است (مرکز مطالعات استراتژیک و منطقه ای، ۱۴۰۱).



شکل ۱: مدل مفهومی تحقیق

چارچوب مفهومی:

بیکاری:

بیکار در اقتصاد به فردی گفته می‌شود که در سن کار (۱۵-۶۵) جویایی کار باشد اما شغل و منبع درآمدی پیدا نکند، بیکاری در کشورهای مختلف با توجه به نوع فرهنگ و حتی شرایط اقلیمی و اوضاع سیاسی و اجتماعی از علل خاصی ناشی می‌شود و گاه عوامل مشترک پیروی می‌کند، به عقیده برخی از تحلیل گرانو محققان عامل اصلی ۷۰ درصد از ناهنجاری های جامعه ناشی از بیکاری است، زیرا اشتغال می‌تواند از بروز بسیاری از ناهنجاری های اجتماعی جلوگیری کند، این که بیکاری در کشور باشد، روی مغزهای افراد کشور تاثیر گذاشته و به مروری زمان باعث می‌شود تا از کشور خود فرار کرده و به بیرون از کشور بروند، که این کار روی رشد کشور تاثیر بسزای داشته، و باعث پس ماندن کشورها می‌شود (صالحی، ۱۳۹۹). وضع نگران کننده فرار مغزها در افغانستان، به ویژه در میان جمعیت جوان و تحصیل کرده را که به دلیل موج خشونت و بی ثباتی در کشور فرار می‌کنند، برجسته می‌کند. این وضعیت باعث شده است که تعداد قابل توجهی از روشنفکران، متخصصان و دانشجویان افغانستان را به مقصد کشورهایمانند ترکیه، هند و اروپا ترک کنند و به دنبال امنیت و فرصت هایی برای آینده ای بهتر باشند (ورتانا و رحمت، ۲۰۲۳).

¹ . Vrtana & Rahmat

ناامنی:

یعنی ترس فقدان موقعیت، از سوی دیگری. وقتی احساس امنیت وجود دارد یعنی فرد مطمئن هست که از سوی کسی تهدید نمی‌شود. این تهدید می‌تواند از نظر جسمی، مالی و روانی و احساسی باشد. وقتی احساس امنیت می‌رود، ترس و ناامنی جای آن را می‌گیرد ارتعاشات این احساس می‌تواند کل زندگی شخص را تحت تاثیر خود قرار دهد، از نظر فرکانس احساس ناامنی آرامش را از فرد گرفته می‌شود، در عین حال وقتی فرد از وضعیت فعلی راضی نباشد، و تحت شرایط ناآرام قرار می‌گیرد، وقتی یک فرد در این شرایط قرار گرفت، راحت خود را از دست می‌دهد، وقتی فرد ناراحت شد، می‌خواهد و کوشش نهایی خود را می‌کند، تا خود را آرام بسازد، وقتی که این امر محقق نشد، حتی به فرار روی می‌آورد (عبدلی، ۱۳۹۴).

نبود شرایط تحصیلی

وقتی که شرایط تحصیلی برای مغزهای کشور مساعد نباشد، در این صورت جستجوگران تحصیلات برای دریافت تحصیل دلخوا خود به راه های دیگر رو می‌آورد، در این جا است که آنها از کشور فرار کرده و کشور که در آنجا شرایط تحصیلات مناسب برای شان باشد، می‌رود، اقامت می‌کند، و کشور خود را ترک می‌کند، وقتی این مغزها از کشور بیرون می‌شود کشور به فقری فکری مواجه می‌شود و در بخش اختراعات و غیره بخشهای مهم در صنعت و در کل در تخصص پیشرفت نمی‌کند، وقتی که کشور از پیشرفت پس مانده شد، همان است که به توسعه هم نمی‌رسد (وقونی، ۱۳۸۱). افراد جوان و تحصیل کرده به دلیل تشدید خشونت و تهدید از کشور فرار می‌کنند. این وضعیت باعث ایجاد حس ناامیدی در میان بسیاری از افغان‌ها، از جمله روشنفکران، فعالان، روزنامه‌نگاران و متخصصان شده است، که احساس می‌کنند مجبورند برای امنیت و آینده‌ای بهتر به خارج از کشور بروند. موج خشونت، ترورهای هدفمند و عدم اطمینان پیرامون چشم انداز سیاسی به این مهاجرت دامن زده است و نیروی کار تحصیل کرده و پتانسیل پیشرفت کشور را به خطر می‌اندازد (باللزی^۱، ۲۰۲۲).

پیشینه تحقیق

صادق‌نژاد و مظلوم خراسانی (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان نگرش نخبگان علمی به آینده شغلی و تاثیر آن بر تمایل به مهاجرت به این نتایج دست یافته‌اند که نگرش دانشجویان نخبه به آینده شغلی منفی است و شدت این نگرش در بین دانشجویان پسر بیشتر است. ابعاد نگرش به آینده شغلی (ارضای نیازهای مادی، معنوی، روحی روانی و تناسب شغل با رشته تحصیلی) و سابقه مهاجرت تاثیر مستقیم و معناداری بر تمایل به مهاجرت دارند. بعد ارضای نیازهای مادی از طریق اثرگذاری بر دو بعد ارضای نیازهای معنوی و روحی-روانی نیز تاثیر غیرمستقیم و معناداری بر تمایل به مهاجرت دارد؛ حال آنکه جنسیت تاثیر معناداری بر تمایل به مهاجرت ندارد.

نیکویه و همکاران (۱۳۹۸) با انجام پژوهشی با عنوان شناسایی و اولویت‌بندی عوامل چندزمینه‌ای مؤثر بر روند فرار مغزها درصد شناسایی عوامل مؤثر بر روند فرار مغزها در طول موج چهارم این پدیده برای سیاستگذاری در آینده بوده‌اند. آنان با استفاده از روش دلفی به عنوان ابزار آینده‌پژوهی، به شناخت و رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر آینده این روند پرداخته‌اند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد رتبه میانگین عوامل آموزشی ۳/۵۴، شغلی و معیشتی ۲/۹۸، اجتماعی ۲/۶۸، سیاسی ۲/۴۶ و عوامل اقتصادی ۲/۱۶ است که به-ترتیب پراهمیت‌ترین عوامل اثرگذار بر روند فرار مغزها به شمار می‌آیند.

طیبی و همکاران (۱۳۹۰) در تحقیقی تحت عنوان (اثر فرار مغزها بر رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه) انجام داده است. این تحقیق از نوع تحقیق میدانی می‌باشد. برای انجام این تحقیق از ۳۰ کشور که بیشترین افراد متخصص در آن سفر نموده ۶ کشور آمریکا، انگلیس، کانادا، آلمان، استرالیا و فرانسه و ۷۹ کشور در حال توسعه طی دوره ۱۹۹۱-۲۰۰۴ با استفاده از نرم افزار Stata مورد آزمون قرار گرفته است. نتایج بدست آمده از این تحقیق نشان می‌دهد که اثر فرار مغزها بر انباشت سرمایه

¹. Bilalzai

انسانی کشورهای مبدأ منفی و معنی دار بوده است. و اثر مستقیم فرار مغزها بر رشد اقتصادی کشورهای مبدأ معنی دار نیست. بنابراین فرار مغزها با کاهش انباشت سرمایه انسانی رشد اقتصادی کشورهای مبدأ را با کندی مواجه می کند. صالحی فریدونی و همکاران (۱۳۹۹) تحقیقی را در مورد (اثر فرار مغزها بر رشد اقتصادی در منطقه‌ی (MENA) انجام داده است که در این پژوهش اثر فرار مغزها بر رشد اقتصادی کشورهای منتخب خاورمیانه و شمال آفریقا در دوره زمانی ۲۰۰۰ - ۲۰۱۶ با استفاده از روش داده‌های تابلویی- بررسی شده است. نتایج حاصل از برآورد مدل نشاندهنده آن است که بین فرار مغزها و رشد اقتصادی رابطه منفی و معنی داری وجود دارد به گونه ای که یک درصد افزایش در فرار مغزها از کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا (منا) به کشورهای سازمان همکاری و توسعه اقتصادی با فرض ثبات سایر شرایط به طور متوسط ۱۰۰۸ درصد رشد اقتصادی را در کشورهای منا کاهش داده است.

شیرخانی و بایزدی (۱۳۹۷) پژوهش را به هدف بررسی میزان و مکانیسم اثرگذاری مهاجرت و خروج سرمایه های انسانی بر توسعه ی کشورهای مبدأ همچون ایران و ترکیه تحت عنوان (مهاجرت، خروج سرمایه ی انسانی و توسعه: مقایسه‌ی ایران و ترکیه) انجام داده است. که با استفاده از روش داده بنیاد به این نتیجه رسیده است که تحت تأثیر پدیده مهاجرت و خروج سرمایه انسانی فرایند توسعه به میزان متفاوتی کند شده است. در زمینه ی رفاه و درآمد سرانه که از شاخص های مهم توسعه محسوب میشود، اقتصاد ایران به میزان ۱۴,۱ درصد و اقتصاد ترکیه نیز به میزان ۱,۰ درصد کاهش داشته است برای تبیین علل اثرگذاری متفاوت مهاجرت و خروج سرمایه انسانی بر توسعه دو کشور، مهمترین شاخص های مهاجرتی را که بر توسعه اثرگذارند، استخراج کرده و مورد مقایسه قرار داده است، از بین ۳ شاخص اصلی که استخراج شدند، تنها در یک مؤلفه از شاخص اول یعنی کمیت خروج سرمایه انسانی، ایران و ترکیه از وضعیت نسبتاً مشابهی برخوردار بودند، در سایر شاخص ها و مؤلفه ها همچون نرخ بازگشت مهاجران، ترکیب تخصص مهاجران به کل مهاجران، درآمدهای برگشتی و سرمای گذاری مستقیم خارجی، ترکیه وضعیت بهتری در قیاس با ایران دارد و همین عامل نیز باعث شده تا فرایند توسعه در این کشور تأثیر منفی کمتری از پدیده مهاجرت در قیاس با ایران متقبل شود.

شاه آبادی ، کریم کشته و محمودی (۱۳۸۵) مقاله را تحت عنوان بررسی عوامل موثر بر فرار مغزها از کشور ایران به اروپا طی دوره ۱۳۵۹-۱۳۸۲ ه ش انجام داده اند بیانگر آنست که فرار مغزها تابع عوامل اقتصادی از جمله نرخ بیکاری، دستمزد نیروی کار و شکاف شاخص رفاهی بین ایران و اروپا میباشد و نتایج تحقیق حاضر بیانگر آنست (الف) نرخ بیکاری تاثیر مثبت و مهمی بر فرار مغزها از ایران به اروپا دارد، (ب) دستمزد نیروی کار در ایران ارتباط معکوس و معنی داری بر پدیده فرار مغزها دارد، (ج) شکاف شاخص رفاهی بین ایران و اروپا وجانشین های آن از جمله شکاف درآمد سرانه، شکاف تشکیل سرمایه ثابت سرانه و شکاف مخارج ملی سرانه بین ایران و اروپا تاثیر مستقیم و معنی داری بر فراری دانش آموختگان از ایران به اروپا دارد و (د) عوامل سیاسی - اجتماعی از جمله جنگ تحمیلی، حقوق سیاسی، آزادی های مدنی و فساد یا خط قرمز بوروکراسی نیز بصورت مثبت و معنی دار بر پدیده فرار مغزها از ایران به اروپا موثر است.

شاه آبادی ابوالفضل و پوران (۱۳۸۸) مقاله را تحت عنوان بررسی اثر مهاجرت مغزها بر رشد اقتصادی ایران طی دوره ۱۳۳۸-۱۳۸۵ با استفاده از آمار مهاجرت مغزها از ایران ایالات متحده امریکا است. نتایج تجربی این تحقیق بیانگر آنست که تاثیر متقابل مهاجرت مغزها با انقلاب اسلامی بر رشد اقتصادی منفی و بسیار معنی دار است همچنین در کنار عامل تولید نیروی کار، انباشت تحقیق و توسعه داخلی و خارجی و سرمایه انسانی نیز که ابزار های بسیار مهم حصول به اقتصاد دانش محور می باشند، در تابع تولید اقتصاد ایران اثر مثبت و مستقیم دارند و بجز متغیر انباشت تحقیق و توسعه خارجی که اثر معناداری بر تابع تولید ایران ندارند، سایر متغیرها از سطح معنی داری خوبی برخوردار هستند.

رحمانی و مظاهری ماربری (۱۳۹۳) مقاله را تحت عنوان بررسی تاثیر مهاجرت بر انباشت سرمایه انسانی و رشد اقتصادی در کشور های در حال توسعه (۱۹۷۵-۲۰۰۰) انجام دادند. نتایج تحقیق نشان داد که چشم انداز مهاجرت اثری مثبت و معنی داری بر انباشت سرمایه انسانی دارد و همچنین خود مهاجرت بالفعل نیز در هر دوره اثر منفی بر انباشت سرمایه انسانی دارد. با توجه به آزمون والد میتوان گفت که از لحاظ آماری مجموع برآیند اثرات چشم انداز مهاجرت (اثر انگیزی مثبت) و خود مهاجرت (اثر منفی) بر انباشت سرمایه انسانی کشور مبدا همدیگر را خنثی میکنند. در مرحله بعدی اثر مهاجرت افراد متخصص بر رشد اقتصادی مورد بررسی قرار گرفت، نتایج تحقیق نشان داد که اثر مهاجرت فرار مغزها بر رشد اقتصادی کشور مبدا منفی است.

هاسلبالچ^۱ (۲۰۱۹) در تحقیق خود به این نکته اشاره میکند که با توجه به پدیده فرار مغزها به عنوان یک مشکل سیاسی در سطح اتحادیه اروپا و از طرفی سیر تحول این مسئله در چهار دوره گذشته پارلمانی از یک خط سیر و یک دلیل اساسی به نام مهارت با تأکید بر اصلاح حرفه‌ای را شناسایی می‌کند و آموزش را به عنوان راه حل اساسی برای رفع عدم تطابق مهارت‌های به کار گرفته در مشاغل گوناگون پیشنهاد میدهد و از طرف دیگر یک همبستگی دو سویه با مهاجرت با تأکید بر شرایط، حقوق و دستمزد کارگران با مهارت بالا را به عنوان اصلی‌ترین عامل ترسیم می‌نماید.

داکیه و افتخار^۲ (۲۰۱۹) با انجام پژوهشی که یک مدل تطبیقی برای جنوب صحرای آفریقا است، اثر فرار مغزها را بر توسعه بررسی کرده‌اند. نتایج نشان می‌دهد ساختار معیوب اشتغال و اختلاف دستمزد بین گروه‌های متعدد، سبب می‌شود مهارت در همان سطح قبلی و بدون تغییر در بین کارگران دارای مهارت‌های یکسان در بخش‌های مختلف باقی بماند. آن‌ها معتقدند فرار مغزها اثرات مبهم رفاهی را برای افراد غیرمهاجر ایجاد می‌کند. زیرا ضرر یا سود بالقوه مهاجرت به پارامترهای به کار رفته در مدل بستگی دارد که اثرات بعضی متغیرها سبب افزایش و برخی سبب کاهش مهاجرت افراد با مهارت بالا می‌گردد. آنها مدل خود را بر روی ۳۳ کشور جنوب صحرای آفریقا برآورده کرده و عنوان می‌کنند که نتایج برای هر یک از آنها متفاوت است. به این معنا که مهاجرت ماهرانه باعث کاهش رفاه افراد این جوامع می‌شود.

افریدی و همکارانش^۳ (۲۰۲۰) در پژوهش خود راهکارهای اقتصادی در معکوس کردن فرار مغزها به عنوان سرمایه انسانی پاکستان را بررسی کرده‌اند. این مطالعه تحقیقاتی براساس داده‌های ثانویه با استفاده از مقالات پژوهشی، نظرسنجی‌های اقتصادی، داده‌های اداره مهاجرت و اشتغال در خارج از کشور انجام شده است. نتایج نشان می‌دهد با معکوس کردن فرار مغزها، سرمایه‌های انسانی و ابعاد گوناگون سرمایه اجتماعی افزایش می‌یابد، و این تنها با تدوین یک برنامه استراتژیک مناسب توسط دولت امکانپذیر است. کواریوک و همکارانش^۴ (۲۰۲۰) مهاجرت گسترده در میان جوانان روستایی با مهارت بالا در روسیه را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده‌اند. نتایج به دست آمده نشان میدهد که شهرنشینی و پیروی جمعیت روستایی به کمبود نیروی ماهر در کشاورزی کمک میکند، موضوعی که در سراسر جهان وجود دارد. این مطالعه به بررسی افرادی میپردازد که قصد عزیمت به خارج از کشور را دارند. جدا از تفاوت درآمد، مشخص می‌شود که روابط اجتماعی، ارزشهای فردی و نگرش‌ها با اهداف مهاجرت همراه است. از طرفی دانشجویان کشاورزی تمایلی به کار در حوزه کشاورزی ندارند و کسانی که از سبک زندگی روستایی بیزارند، تمایل دارند برای جستجو و کسب گزینه دیگری به خارج از کشور مهاجرت کنند.

روش

این تحقیق توصیفی از نوع همبستگی است و هدف آن کاربردی می‌باشد. جامعه آماری این تحقیق شامل ۱۵۰ نفر از دانشجویان صنف چهارم نیمسال هشتم دانشکده اقتصاد دانشگاه بلخ بوده است. از این جامعه، ۸۰ نفر به صورت تصادفی انتخاب شدند. ابزار

1. Hasselbalch

2. Docquier & Iftikhar

3. Afridi et al

4. Kvartiuk et al

گردآوری اطلاعات پرسشنامه محقق ساخته بود. پس از جمع‌آوری داده‌ها و پس از کدگذاری، با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۶ تجزیه و تحلیل شده‌اند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، از روش‌های آماری توصیفی و استنباطی استفاده شد.

یافته ها

جدول ۱. آمار توصیفی پاسخ دهندگان نظر به حالت تأهل

		Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid	مجرد	۵۴	۶۷.۵	۶۷.۵	۶۷.۵
	متاهل	۲۶	۳۲.۵	۳۲.۵	۱۰۰.۰
	Total	۸۰	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰	

آمار توصیفی پاسخ دهندگان را نظر به وضعیت تأهل نشان می‌دهد. یافته‌ها نشان داد که از جمله (۸۰) پاسخ دهنده که تمام آن را آقایان تشکیل می‌دهد، (۵۴) تن آن مجرد و (۲۶) تن آن متاهل می‌باشد.

جدول ۲. در رابطه به تأثیر بیکاری بر فرار مغزها

		Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid	کاملاً مخالف	۲	۲.۵	۲.۵	۲.۵
	تا حدی مخالف	۶	۷.۵	۷.۵	۱۰.۰
	نظر ندارم	۸	۱۰.۰	۱۰.۰	۲۰.۰
	تا حدی موافق	۱۳	۱۶.۳	۱۶.۳	۳۶.۳
	کاملاً موافق	۵۱	۶۳.۷	۶۳.۷	۱۰۰.۰
Total	۸۰	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰		

با توجه به این اطلاعات جدول فوق، می‌توان گفت که بیشترین تعداد افراد (۶۳.۷٪) کاملاً موافق با تأثیر بیکاری بر فرار مغزها هستند، در حالی که تعداد کمترین افراد (۲.۵٪) کاملاً مخالف هستند. درصدهای معتبر و تجمعی نشان دهنده توزیع دقیق‌تر نظرات در جامعه‌ای از افراد است.

جدول ۳. نقش ناامنی باعث فرار مغزها از کشور

		Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid	کاملاً مخالف	۳	۳.۸	۳.۸	۳.۸
	تا حدی مخالف	۱۳	۱۶.۳	۱۶.۳	۲۰.۰
	نظر ندارم	۴	۵.۰	۵.۰	۲۵.۰
	تا حدی موافق	۱۴	۱۷.۵	۱۷.۵	۴۲.۵
	کاملاً موافق	۴۶	۵۷	۵۷	۱۰۰.۰
Total	۸۰	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰		

جدول (۳) آمار توصیفی تأثیر ناامنی را بر فرار مغزها نشان می‌دهد. دیدگاه پاسخ دهندگان در رابطه به تأثیر ناامنی و فرار مغزها چنین است: (۵۷.۵٪) کاملاً موافق؛ یعنی ناامنی تأثیر فوق‌العاده زیادی بر فرار مغزها داشته؛ (۱۷.۵٪) تا حدی موافق، (۵٪) نظری نداشتند، (۱۶٪) تا حدی مخالف اند که ناامنی باعث فرار مغزها می‌شود و (۳.۸٪) نیز با این رابطه کاملاً مخالف اند.

جدول ۴. نقش نبود شرایط تحصیلی و احترام به حقوق فردی با فرار مغزها

		Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid	کاملاً مخالف	۳	۳.۸	۳.۸	۳.۸
	تا حدی مخالف	۲	۲.۵	۲.۵	۶.۳
	نظر ندارم	۷	۸.۸	۸.۸	۱۵.۰
	تا حدی موافق	۲۵	۳۱.۳	۳۱.۳	۴۶.۳
	کاملاً موافق	۴۳	۵۳.۸	۵۳.۸	۱۰۰.۰
Total	۸۰	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰		

با توجه به داده های جدول فوق، نبود شرایط تحصیلی و نبود احترام به حقوقی فردی دیگری از معضل های فرار از کشور است که در این پرسشنامه نشان می دهد به تعداد ۴۳ نفر یعنی ۵۳٫۸ فیصد افراد کاملاً موافق بوده که این معضل سبب فرار مغز ها می شود و تنها ۳ نفر مخالف آن می باشد.

فرضیه ۱: بنظر می رسد نا امنی باعث فرار مغز ها می شود.

جدول ۵، بررسی رابطه نا امنی با فرار مغزها

	Value	df	Asymptotic Significance (2-sided)
Pearson Chi-Square	۴۹٫۹۰۶	۱۶	۰٫۰۰۰
Likelihood Ratio	۴۴٫۰۰۸	۱۶	۰٫۰۰۰
Linear-by-Linear Association	۱۰٫۶۶۳	۱	۰٫۰۰۱
N of Valid Cases	۸۰		

a. 21 cells (84.0%) have expected count less than 5. The minimum expected count is .11.

با توجه به داده های جدول فوق، سطح معنی داری ۰٫۰۰۰ بدست آمده است و با عنایت به اینکه کوچکتر از سطح خطا یا ۰٫۰۵ می باشد فرضیه تحقیق تایید می گردد یعنی این که نا امنی باعث فرار مغز ها از کشور می شود.

فرضیه ۲: بنظر می رسد نبود شرایط تحصیلی مناسب باعث فرار مغز ها می شود.

جدول ۶، بررسی رابطه میان نبود شرایط تحصیلی مناسب با فرار مغزها

	Value	df	Asymptotic Significance (2-sided)
Pearson Chi-Square	۲۹٫۱۲۴	۱۶	۰٫۰۲۳
Likelihood Ratio	۲۴٫۱۴۸	۱۶	۰٫۰۸۶
Linear-by-Linear Association	۱٫۰۶۲	۱	۰٫۳۰۳
N of Valid Cases	۸۰		

a. 22 cells (88.0%) have expected count less than 5. The minimum expected count is .08.

با توجه به داده های جدول فوق، سطح معنی داری ۰٫۰۲۳ بدست آمده است و با عنایت به اینکه کوچکتر از سطح خطا یا ۰٫۰۵ می باشد فرضیه تحقیق تایید می گردد یعنی اینکه نبود شرایط تحصیلی مناسب باعث فرار مغز ها از کشور می شود.

فرضیه ۳: بنظر می رسد بیکاری باعث فرار مغز ها از کشور می شود.

جدول ۷، بررسی رابطه بیکاری با فرار مغزها

	Value	df	Asymptotic Significance (2-sided)
Pearson Chi-Square	۲۹٫۲۳۳	۱۶	۰٫۰۲۲
Likelihood Ratio	۲۲٫۳۹۷	۱۶	۰٫۱۳۱
Linear-by-Linear Association	۳٫۶۸۰	۱	۰٫۰۵۵
N of Valid Cases	۸۰		

a. 21 cells (84.0%) have expected count less than 5. The minimum expected count is .08.

با توجه به داده های جدول فوق، سطح معنی داری ۰٫۰۲۲ آمده است و با عنایت به اینکه کوچکتر از سطح خطا یا ۰٫۰۵ می باشد فرضیه تحقیق تایید می گردد یعنی اینکه نبود شرایط تحصیلی مناسب باعث فرار مغز ها از کشور می شود.

بحث و نتیجه گیری:

پژوهش حاضر با هدف بررسی عوامل مؤثر بر فرار مغزها در افغانستان انجام شد، نتایج نشان داد بیکاری، نا امنی، کمبود فرصت های تحصیلی و احترام به حقوق فردی به عنوان عوامل کلیدی مؤثر در فرار مغزها در کشور بود. نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش بلال زی (۲۰۲۲) که بر عوامل سیاسی و امنیتی، حکومت داری ضعیف، چالش های اقتصادی و نبود امنیت شغلی به عنوان محرک های مهم فرار سرمایه انسانی در افغانستان تأکید می کنند، همسو است. همگرایی این نتایج بر یک موضوع چند وجهی تأکید می کند که در آن شرایط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی نقش اساسی در مهاجرت افراد تحصیل کرده و ماهر از افغانستان ایفا می

کند. از دست دادن سرمایه انسانی نه تنها بر نیروی کار فوری کشور تأثیر می‌گذارد، بلکه مانع توسعه و ثبات بلندمدت آن می‌شود. تلاش‌ها برای رسیدگی به فرار مغزها باید بر ایجاد یک محیط مساعد متمرکز باشد که فرصت‌های شغلی، امنیت، پیشرفت تحصیلی و احترام به حقوق فردی را برای حفظ و جذب متخصصان ماهر در افغانستان ارتقا دهد. بنابراین برای مقابله با مسئله فرار مغزها در افغانستان پیشنهاد می‌گردد فرصت‌های شغلی و ایجاد امنیت شغلی برای جوانان و متخصصان تحصیل کرده افزایش یابد؛ این اقدام می‌تواند جلوی فرار مغزها را بگیرد و انگیزه آن‌ها برای ترک کشور را کاهش دهد. همچنین تقویت بخش آموزشی و ارائه شرایط مناسب برای تحصیل و پژوهش؛ ارتقاء سطح آموزش و ایجاد فضایی مشوق برای اندیشه و نوآوری می‌تواند از جریان فرار مغزها جلوگیری کند. تضمین حقوق انسانی و ایجاد امنیت برای تمامی افراد؛ احترام به حقوق فردی و ایجاد محیطی آرام و پایدار برای زندگی می‌تواند افراد را از ترک کشور منع کرده و انگیزه آن‌ها برای باقی ماندن را افزایش دهد. و نیز ارتقاء محیط کسب و کار و ایجاد فرصت‌های اقتصادی؛ توسعه بخش خصوصی و ایجاد فرصت‌های کاری مناسب می‌تواند از فرار مغزها جلوگیری کرده و اقتصاد کشور را تقویت کند. این پیشنهادات اگر به‌طور جدی پیگیری شوند، می‌توانند به کاهش فرار مغزها و تقویت منابع انسانی و اقتصادی افغانستان کمک کنند.

منابع

- امینی، علیرضا، حجازی آزاد، زهره. (۱۳۸۷). تحلیل نقش سرمایه انسانی و تحقیق و توسعه در ارتقای بهره‌وری کل عوامل (TFP) در اقتصاد ایران. پژوهش‌های اقتصادی ایران، ۱۱(۳۵)، ۱-۳۰.
- بزرگ زاد، سعیده، کاظمی پور، شهلا، علی محسنی، رضا. (۱۳۹۹). بررسی عوامل اجتماعی - اقتصادی موثر بر میزان گرایش نخبگان به مهاجرت خارج از کشور. مطالعات راهبردی ورزش و جوانان، ۱۹(۴۸)، ۲۹۷-۳۲۲.
- راغفر، حسین؛ محمدی الموتی، مسعود؛ فخرموسوی، الهام. (۱۳۹۶). «بررسی تأثیر کیفیت حکمرانی بر مهاجرت دانش‌آموختگان». برنامه‌ریزی و بودجه، ۲۲(۲)، ۷۱-۱۰۸.
- رحمانی، تیمور، و مظاهری ماری، مرتضی. (۱۳۹۳). بررسی تاثیر مهاجرت بر انباشت سرمایه انسانی و رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه (۲۰۰۰-۱۹۷۵). پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، ۱۵(۱ پیاپی ۱۷)، ۶۱-۷۴.
- شاه آبادی، ابوالفضل، کریم کشته، محمدحسین، و محمودی، عبدالله. (۱۳۸۵). بررسی عوامل موثر بر فرار مغزها (مطالعه موردی ایران). پژوهشنامه بازرگانی، ۱۰(۳۹)، ۳۹-۸۱.
- شاه‌آبادی، ابوالفضل، پوران، رقیه. (۱۳۸۸). اثر مهاجرت مغزها بر رشد اقتصادی (مطالعه موردی ایران). پژوهشنامه بازرگانی، ۱۳(۵۲)، ۳۵-۶۳.
- شیرخانی، محمدعلی، بایزیدی، رحیم. (۱۳۹۷). مهاجرت، خروج سرمایه ی انسانی و توسعه: مقایسه ی ایران و ترکیه. رهیافت‌های سیاسی و بین المللی، ۱۰(۲)، ۹۸-۱۲۲.
- صادقی نژاد، مهسا، مظلوم خراسانی، محمد. (۱۳۹۷). نگرش نخبگان علمی به آینده شغلی در ایران و تأثیر آن بر تمایل به مهاجرت. توسعه اجتماعی، ۱۲(۳)، ۱-۲۸.
- صالحی فریدونی، عاطفه؛ علمی، زهرا (میلا)؛ عیسی زاده روشن، یوسف. (۱۳۹۹). اثر فرار مغزها بر رشد اقتصادی در منطقه ی MENA. پژوهشنامه اقتصاد کلان، ۱۵(۲۹)، ۲۵۹-۲۳۱.
- صادقی نژاد، مهسا، مظلوم خراسانی، محمد. (۱۳۹۷). نگرش نخبگان علمی به آینده شغلی در ایران و تأثیر آن بر تمایل به مهاجرت. توسعه اجتماعی، ۱۲(۳)، ۱-۲۸.
- طابفی، علی. (۱۳۸۱). فرار مغزها یا شکار مغزها، مجموعه مقالات سیمینار بررسی مسائل، مشکلات و چشم انداز از اشتغال دانش‌آموختگان آموزش عالی در ایران،

- عبدلی، لیلا. (۱۳۹۴). بررسی عوامل موثر بر فرار مغزها. کنفرانس بین المللی علوم و مهندسی. SID. <https://sid.ir/paper/825592/fa>.
- فرجادی، غلامرضا. (۱۳۷۰). فرار مغزها و اثرات آن در کشورهای جهان سوم، سیمینار برنامه ریزی و توسعه در ایران. مفتخری، علی؛ جعفری، محمد؛ ابونوری، اسمعیل، نادمی، یونس. (۱۴۰۰). تأثیر متغیرهای مؤثر بر حکمرانی بر فرار مغزها در کشورهای در حال توسعه. اقتصاد باثبات، ۲(۳)، ۶۰-۸۵.
- مفتخری، علی؛ جعفری، محمد؛ ابونوری، اسمعیل، نادمی، یونس. (۱۴۰۱). اثرات غیرخطی سیاست‌های پولی بر فرار مغزها در کشورهای در حال توسعه. مطالعات اقتصاد بخش عمومی، ۱(۱)، ۲۳-۳۸.
- موسسه تحقیقاتی اقتصاد (۱۳۸۲) "آسیب شناسی فرار مغزها" تهران: موسسه تحقیقات تدبیر اقتصاد
- وقوفی، حسن (۱۳۸۱) " فرار مغزها، بررسی مهاجرت نخبگان از زاویه گوناگون، نشر زاهدان تهران.
- نیکویه، مهدی؛ شیروانی ناغانی، مسلم؛ درویشی سه تالنی، فرهاد؛ بیات، روح... (۱۳۹۸) شناسایی و اولویت بندی عوامل چندزمینه‌ای مؤثر بر روند فرار مغزها». مجلس و راهبرد، ۲۷(۱۰۴)، ۱۲۷-۱۵۴.
- همت، فتحعلی؛ بشیری آذر، محمد؛ خدادادیگی، حمید. (۱۴۰۰). جهانی شدن و فرار مغزها در چشم انداز نظری. مطالعات منافع ملی، ۲۴(۶)، ۶۱-۸۱.
- Afridi, F.K. Asif, M. Rashda Qazi, R., & Afridi, W. (2020). Reversing the Brain Drain of Human Capital through China Pakistan Economic Corridor. *Journal of Business and Tourism*, 6 (1), 179-187.
- Bilal Zai, A.H.(2022). Identifying the Driving Factors Contributing to Afghanistan's Brain Drain: A Phenomenological Study of Afghans Residing Abroad, *Governance and Management Review (GMR)*, 7(1), 41-59.
- Docquier, F., & Zainab Iftikhar, Z. (2019). Brain Drain, informality and inequality: A search-and-matching model for sub-Saharan Africa. *Journal of International Economics*, 120 (2), 109-125.
- Ekperiware, M., Olatayo, T., & Mayor, A. (2018). Forecasting the effect of dominating working age population in the Nigeria economy. *Journal of Scientific and Engineering Research*, 5(3), 23-34.
- Hasselbalch, J. A. (2019). Framing brain drain: between solidarity and skills in European labor mobility. *Journal of Review of International Political Economy*, 23 (1), 1-28.
- Vrtana, D., & Rahmat, N. R. (2023). Understanding the Dynamics of Brain Drain from Afghanistan: Interplay of Education and Emigration Decision. *Migration Letters*, 20(7), 1094-1115.
- Wang, Y., & Liu, S. (2016). Education, human capital and economic growth: Empirical research on 55 countries and regions (1960-2009). *Theoretical Economics Letters*, 6(2), 347-355.